

۱۳۸۳



راه آفتاب

خواندن آیه‌الکرسی بعد از هر نماز را ارزشمند می‌دانست: «هرکه این کار را بکند، هیچ گزنده‌ای به او آزار نخواهد رساند.»

محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۵.

بپا تور نشوی!

ترفندهای مبارزه با شیطان

فتح الله نجارزادگان



سرشناسه: نجارزادگان، فتح الله، ۱۳۳۷ • عنوان و نام پدیدآور: بیا تور نشوی: ترفندهای مبارزه با شیطان / فتح الله نجارزادگان؛ به کوشش: محمدحسین پورامینی؛ ویراستار: عظیم قهرمانلو؛ تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی؛ به سفارش: اداره پاسخگویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی • مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶ • مشخصات ظاهری: مصور(رنگی): ۱۱×۱۵ س م • شابک: ۳-۱-۹۹۷۵۰-۶۰-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا • موضوع: شیطان • موضوع: Devil • موضوع: تقوا • موضوع: Piety • شناسه افزوده: پورامینی، محمدحسین، ۱۳۵۴ • شناسه افزوده: Pouramini, Muhammad Husayni • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره پاسخگویی به سؤالات دینی • شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی •

• شناسه افزوده: Astan Qods Razavi . Islamic Relief and Communication Assistant. رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ن ۲۶ ب ۲۲۶ / BP۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۷
شماره کتاب شناسی ملی: ۵۰۲۳۹۹۵

۱۳۵



عنوان: بیا تور نشوی! (ترفندهای مبارزه با شیطان)

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: فتح الله نجارزادگان

به کوشش: محمدحسین پورامینی

ویراستار محتوایی: انسبه غلامرضا پور و جواد نشاطی زاده

ویراستار: عظیم قهرمانلو

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

مدیر هنری: مریم سادات منصوروی طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی

ناشر: معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی چاپ: اول، ۱۳۹۷

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰۰ شابک: ۳-۱-۹۹۷۵۰-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب الهادی
و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۳۷۵
تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۹	درآمد
۱۱	فصل اول: تجهیزات ما در مبارزه با شیطان
۱۳	۱. سلاح‌ها و ابزارها
۱۶	۲. امدادهای ویژه
۱۹	۳. پایگاه نیرومند نماز
۲۹	فصل دوم: راهبردها (سیاست‌های اصولی) در مبارزه با شیطان
۳۱	۱. نگرهبانی از گوهر جان
۳۸	۲. واکنش مناسب
۴۱	۳. استعاذه و استغفار
۴۴	۴. پایداری و انهدام
۴۷	فصل سوم: شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه با شیطان
۴۹	۱. کاوش و بازنگری در روح و روان
۵۲	۲. لای‌روبی و شست‌وشوی آلودگی‌ها
۵۵	۳. درمان و ترمیم بیماری‌ها
۶۵	حاصل سخن
۶۷	کتابنامه
۷۰	مسابقه فرهنگی

پیا تور نشوی!

ترفندهای مبارزه با شیطان

پرسش‌هایی که در این مجموعه به آن‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱. تجهیزات ما در مبارزه با شیطان چیست؟
۲. راهبردها و خط‌مشی‌های اصولی در مبارزه با شیطان کدام‌اند؟
۳. با چه شیوه‌ها و شگردهایی باید به مصاف با شیطان رفت؟



درآمد

پس از شناخت راهبردها، مهارت‌ها، تجهیزات و کمین‌گاه‌های دشمن،^۱ باید این گام‌ها را برداریم: ۱. تجهیزات و امکانات خود را بشناسیم؛ ۲. راهبردها مقابله با دشمن و مهارت به‌کارگیری آن‌ها را بیاموزیم و همواره آن‌ها را به‌خود یادآوری کنیم تا به‌یاد بسپاریم؛ ۳. شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه را متناسب با اهداف و خط‌مشی‌ها کشف کنیم و آن‌ها را به‌درستی به‌کار گیریم.

۱. در مجموعه‌کتابچه‌های رهنما، کتابی با عنوان رانده‌شده به‌چاپ رسیده که در آن، به نکته‌هایی دربارهٔ شیطان سرکش پرداخته شده است.

تجهيزات ما در مبارزه با شیطان



فصل اول



۱. سلاح‌ها و ابزارها

برای مبارزه با شیطان، سلاح‌ها و تجهیزاتی گوناگون با کاربردهای متفاوت وجود دارد که ما به آن‌ها مجهزیم. تا زمانی که در میدان کارزار این دنیا باییم، این تجهیزات همیشه در دسترس است و افزایش و کاهش و کیفیت استفاده از آن‌ها نیز به دست ماست. برخی از این تجهیزات عبارت‌اند از:

• **دعا:** دعا سلاح مؤمن شمرده می‌شود^۱ و آموزه‌های اسلام به ما دستور می‌دهد که با دعا کردن و افزایش آن، در حمله‌های شیطان سالم بمانیم.^۲

• **تواضع:** تواضع سنگری میان ما و دشمن و سپاهیان

۱. نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸: براساس روایتی از امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ».

۲. نک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۵۷، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «أَكْثَرُ الدُّعَاءِ تَسْلِمٌ مِنْ سَوْزَةِ الشَّيْطَانِ».

۳. نک: علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

اوست که از میان آن، راهی برای هجوم نخواهد داشت.^۱

• **محبت به خدا:** نیرومندترین عامل رهایی از جاذبه‌های شیطانی و نفسانی، محبت به خداست. در بخشی از مناجات شعبانیه این‌گونه می‌خوانیم: «خدایا، نمی‌توانم میل‌ها و گرایش‌هایی را که به معصیت دارم، پایمال کنم؛ جز موقعی که به نیروی محبت تو جذب شوم و کشش محبت تو مرا بکشد.»^۲

• **ترس راستین:** ترس راستین از خدا، مانع ابلیس است.^۳

• **ذکر «الله»:** یاد خدا سرمایه مؤمن، با سودی سرشار است. این سود سرشار، همان نجات از شیطان است.^۴ نمونه یاد خدا، ذکر شریف «لا إله إلا الله» است که آن را خشنودی رحمان و پرتگاه شیطان نامیده‌اند.^۵

• **نماز:** نماز، برترین یاد خداست، با کاربردها و نقش‌های

۱. نک: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۸۱، خطبه ۱۹۲.

۲. علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، ج ۳، ص ۲۹۸؛ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه.

۳. نک: حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ص ۲۸۵.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۸: «ذکر الله رأس مال كل مؤمن و ربحه السلامة من الشيطان.»

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۲: «لا إله إلا الله عزيمة الإيمان و فاتحة الإحسان و مرصاة الرّحمي و مدخرة الشيطان.»

ارزنده و کلیدی که به زودی با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

• **اعتصام به خدا:** اعتصام به خدا، جلوه‌ای از یاد خداست که دشمن در مواجهه با آن، در آخرین درجهٔ ضعف و ورشکستگی قرار می‌گیرد؛^۱ چون انسان به بهترین مولا و یاور خود، خداوند تبارک و تعالی، پناه برده است.^۲

• **ایمان و توکل به خدا:** توکل به خدا، سدی پولادین در برابر سلطهٔ شیطان معرفی شده است.^۳

• **انجام عبادات و کارهای نیک:** روزه، صدقه، دوستی کردن برای خدا، کمک کردن برای کارهای شایسته و استغفار نیز تجهیزاتی کارسازند. در حدیثی، آثار ملکوتی این امور این‌گونه گزارش شده است:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اصحابشان فرمودند: «شما را آگاه کنم بر کاری که اگر انجام دهید، شیطان به اندازهٔ فاصلهٔ مشرق تا مغرب، از شما فاصله می‌گیرد؟» گفتند: «آری!» حضرت فرمودند: «روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند، صدقه کمرش را

۱. نک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۸: «مَنْ اِعْتَصَمَ بِاللّٰهِ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ.»

۲. نک: حج، ۷۸.

۳. نک: نحل، ۹۹.

می‌شکند، دوستی‌کردن برای خدا و کمک برای
عمل صالح بی‌پشتیبانش می‌کند و استغفار بند
دلش را می‌برد.»^۱

۲. امدادهای ویژه

تفصّل‌های بی‌پایان و امدادهای ویژه و غیبی خداوند، ازجمله
تجهیزات و امکانات در اختیار ماست که در موقعیت‌هایی،
به‌طور ویژه به ما ارزانی می‌شود.

عبوردادن کالایی گران‌بها از میان جاده‌ای که با کمین‌ها
و دست‌بردها روبه‌رو باشد، کار آسانی نیست. کارهای خوب
انسان نیز همین‌گونه‌اند: آن‌ها کالاهایی هستند که باید
سالم به مقصد برسند و برای سفر ابدی ذخیره شوند.
اکنون کار خیری همچون دستگیری از درمانده‌ای را در نظر
بگیرید. به محض آنکه انسان برای انجام آن کار تصمیم
می‌گیرد، دسیسه‌ها و وسوسه‌های دشمن آغاز می‌شود تا او
را منصرف کند؛ چون این تصمیم نمونه‌ای از رهاورد نسیم
رحمت خداست و آن فقیر درمانده، در واقع فرستادهٔ اوست.^۲

۱. عباس قمی، سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، ج ۲، ص ۶۴؛ محمد محمدی
ری شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۹۳.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۲۹، حکمت ۳۰۴: «إِنَّ الْمُسْكِينَ
رَسُولُ اللَّهِ.»

به عنوان مثال، شیطان او را از فقر می ترساند: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ...﴾^۱ (شیطان به شما وعده فقر می دهد).

اگر انسان از این وسوسه به سلامت بگذرد و از آن درمانده دستگیری کند، نوبت به کمین ریا می رسد^۲ و اگر با هوشیاری از آن نیز بگذرد، او را به کمین بزرگ تری به نام عجب گرفتار می کند. اگر به عنایت و لطف حضرت حق، آن را نیز شناسایی کند و از آن عبور کند، کمین مِتت به سراغ او می آید تا بر سر آن بیچاره مِتت نهد و آزارش دهد^۳ و همین طور پیش می رود و شیطان دسیسه های پنهان و آشکار دیگرش را به کار می گیرد؛ تا آنکه خداوند عنایت کند و آدمی کار خیرش را فراموش کند تا این کالا برای همیشه از این دست خطرها و آفت ها مصون بماند.

نمونه گفته شده نشان می دهد که از تصور تا تصمیم، انجام، حفظ، ثمره و نتیجه هر کار خیر را، هرچند کوچک باشد، از آغاز تا پایان، دست عنایت خدا همراهی می کند تا ذخیره ای شود برای خانه ابدی انسان. افزون بر همه این ها، هرچند اگر کار خیری صورت گرفت، اصل نعمت

۱. بقره، ۲۶۸.

۲. نک: بقره، ۲۶۲.

۳. نک: بقره، ۲۶۴.

از طرف خداست^۱ و توان و قوه‌اش هم از اوست،^۲ با وجود این، خداوند وعده پاداش نیز داده است؛ آن هم پاداشی که چندین برابر معرفت شخص و اخلاص عمل اوست.^۳ این امر، ذره‌ای از عنایات همه‌جانبه پروردگار به بنده است تا از گوهر جاننش حراست و پاسداری کند تا جاننش رشد یابد و به سلامت به صحنه قیامت درآید؛ چراکه هرگونه کالای آفت‌دار، هم در بُعد اندیشه و هم در بعد رفتار، بر این گوهر گرد ناخالصی می‌نشانند و اندک‌اندک آن را می‌پوشانند.

جنبه دیگر این تفضل‌ها، دعوت حق تعالی از بندگانش است، برای بازگشت از رهگذر توبه خالص و تحول درونی که اساس آن، نسیم خاص رحمت‌های اوست و در واقع این رحمت الهی است که حالت توبه و انابه را در بنده‌اش به وجود می‌آورد.

تا اینجا معلوم شد انسان چه سرمایه‌ها و سلاح‌ها و تجهیزاتی دارد، از چه توانمندی‌هایی برخوردار است و چه الطاف و امدادهایی ارزانی اوست؛ با این حال، انسان

۱. نک: نحل، ۵۳.

۲. اشاره به ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» که در روایات و آموزه‌های دینی، بارها از سوی معصومین علیهم‌السلام بیان شده است.

۳. نک: بقره، ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۵.

چه اندازه نادان و بی‌خبر خواهد بود که از خدا روی گرداند و آن‌همه سرمایه را از کف بدهد و در کمال ذلت و خسارت، تسلیم نفس و دشمن شود! به‌راستی چقدر انسان کافر و ناسپاس است: ﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ﴾ (مرگ بر چنین انسانی! آخر چقدر ناسپاس!)

۳. پایگاه نیرومند نماز

نماز پایگاهی است که مجموعه‌ای از تجهیزات را یکجا در خود فراهم آورده است. تجهیزاتی همچون دعا، تواضع، خوف از خدا، اعتصام به حق و... در نماز تجلی یافته است.

شیطان نقش عظیم و سازنده نماز را می‌شناسد و برای بی‌رنگ‌کردن نماز در زندگی انسان، همه توانش را به‌کار گرفته است.

شیطان سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌کند تا اگر بتواند، رفته‌رفته با انهدام این پایگاه، کار را یکسره کند؛ مثلاً با وسوسه‌گری برای برپانکردن نماز به‌صورت جماعت و در

۱۰۷. عبس، ۱۷.

اول وقت، حذف دیگر مستحبات نماز، حذف روح و نشاط در نماز، منحرف کردن توجه قلبی انسان در نماز به این سو و آن سو، آرام آرام به قضاکشاندن نماز و درنهایت تسخیر سنگر آخر، یعنی انهدام پایگاهی نیرومند در زندگی معنوی انسان و در متن مبارزه با دشمن. در حدیثی از امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم: «شیطان پیوسته از مؤمن در هراس است؛ تا زمانی که بر نمازهای پنج گانه اش محافظت می کند؛ پس اگر نمازها را تباه کرد، جرئت می یابد و او را در گناهان بزرگ می افکند.»^۱

شاید بر همین اساس قرآن کریم در شمارش اوصاف و ویژگی های مؤمنان، آنان را نگهبانان بر نماز می شناسد: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^۲ (و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند).

این نگهبانی از آن روست که هر نماز به تناسب خود ممکن است در معرض دستبرد و دسیسه های دشمن قرار گیرد و حدود و آدابش یا توجه و خشوع در آن یا حتی خدای ناکرده اصلش به خطر افتد؛ بنابراین هم اصل نماز و

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

۲. مؤمنون، ۹.

هم حدود و ثغور آن به حراست نیازمند است.
اکنون به برخی از نقش‌های کلیدی نماز در مبارزه با دشمن اشاره می‌کنیم:

۱. همه‌جا به آگاهی و یادآوری نیازمندیم و نماز، مایه بیداری و برترین یادهاست.^۱

۲. به حصار نیازمندیم تا در پناه آن، از حمله‌های بی‌امان دشمن مصون بمانیم و نماز در همه‌جا قلعه و حصار ماست.^۲

۳. به پاک‌سازی و سالم‌سازی آفت‌های درونی نیازمندیم تا به دشمن ضعفی نشان ندهیم و نماز شست‌وشوگر آلودگی‌های جان ماست.^۳

۴. به نور معرفت نیازمندیم تا از روی جهل و بی‌خبری، به دام‌های دشمن گرفتار نشویم و نماز نور معرفت ماست.^۴

۵. به برپا کردن خیمه دین نیازمندیم تا در سایه آن، راه را بیابیم و به مقصد برسیم و نماز برپاکننده خیمه دین

۱. نک: عنکبوت، ۴۵.

۲. علی بن محمد لیبی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۶۶؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۳.

۳. نک: هود، ۱۱۴.

۴. علی بن محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۵۲۲.

ماست.^۱

۶. به آرامش و سکون نیازمندیم تا عجلو نشویم و موقعیتمان را گم نکنیم و نماز، آرامش بخش روح ماست.^۲
۷. از دردمند شدن به درد خطرناکِ تکبر بیمناکیم و نماز داروی این درد^۳ و شفا بخش همه دردهای ماست.^۴
۸. همواره به تجدید قوا و نیرو نیازمندیم و نماز نیرو بخش و مایه تجدید حیات ماست.^۵
۹. همیشه به اتصال و ارتباط با معدن عظمت و قدرت مطلق نیازمندیم و نماز پل ارتباطی ماست.^۶
۱۰. به روحی سبک برای پرواز نیازمندیم و نماز سبک کننده روح ماست.^۷
۱۱. به صعود و معراج نیازمندیم تا از تیررس دشمن خارج

۱. نک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۶؛ محمد بن یعقوب

کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲. نک: رعد، ۲۸.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۱۲، حکمت ۲۵۲.

۴. علی بن محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۶.

۵. نک: بقره، ۴۵.

۶. نک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۶۱.

۷. نک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۰۲؛ حسین نوری

طبرسی، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۹۹.

شویم و نماز معراج ماست.^۱

۱۲. ما هراندازه به خدا که صاحب این سگ دست‌آموز یعنی ابلیس است،^۲ نزدیک شویم، از حمله و گزند او مصون خواهیم ماند و نماز نزدیک‌کننده ما به خداست.^۳

اگر نماز برپا شد، تباهی‌ها و زشتی‌ها فرومی‌نشیند و با فرونشستن آن‌ها، زمینه فعالیت دشمن از دست می‌رود و بازارش سرد و راکد می‌شود و اگر نماز زمین‌گیر شد، فسادها و آلودگی‌ها برپا و فراگیر می‌شوند^۴ و در این صورت موقعیت بسیار مناسب و کارسازی برای دشمن فراهم می‌آید و بازارش گرم و پُررونق خواهد شد. آمار سرسام‌آور و به دور از انتظارِ فساد و تباهی در جوامع بی‌اعتنا به نماز، گواه رونق بازار دشمن و کمین‌های اوست.

افزون بر آنچه گفته شد، همه آثار مثبت و پُربرکتی که برای ذکر و یاد خدا هست، به نحو آشکارتر و شفاف‌تری برای نماز خواهد بود؛ چون نماز مایه ذکر و یاد خداست که برتر و

۱. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۳۱۶، خطبه ۱۹۹.

۲. «فَكُنْ مَعَهُ [أَي مَعَ الشَّيْطَانِ] كَالْقَرِيبِ مَعَ كَلْبِ الزَّاعِي» (با شیطان مانند غریبه‌ای که با سگ گله [یعنی دست‌آموز] روبه رو شود، برخورد کن) (نک: حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۷۹).

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۴۹۴، حکمت ۱۳۶.

۴. نک: عنکبوت، ۴۵.

بالاتر بوده^۱ و «ذِکْرُ اللَّهِ»، یعنی اصل الأصول و اصلی ترین ریشه شکست دادن دشمن است؛ همان طور که غفلت از خدا و فراموشی او نیز اصل الأصول شکست ماست. براین اساس، در فرهنگ نماز می توان همه توانایی های رفتاری و تجهیزات و سلاح ها را یافت و از آن ها نشانی به دست آورد و چه بسا از این رهگذر تا اندازه ای می توان به اهمیت توصیه ها و سفارش های فراوان قرآن و عترت علیهم السلام درباره نماز پی برد؛ چون هر جا گلوگاه خطر است، نماز به فریاد انسان می رسد. برای نمونه به لحظه های بحرانی جان دادن بیندیشیم! این لحظه ها برای دشمن، بسیار پُرغنیمت و برای ما سخت و حساس است. این دشمن دیرینه می خواهد در واپسین لحظه ها، کاری ترین ضربه هایش را وارد کند و آنجاکه انسان به شدت به آرامش و سکون نیاز دارد تا از گردنه هولناک مرگ به سلامت عبور کند، نماز به فریاد او می رسد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده اند:

کسی که از نماز محافظت می کند، ملک الموت [در لحظه جان دادن، پوششی آرام بخش برای او فراهم می آورد و] شیطان را از او دفع می کند و بر او شهادتین

۱. نک: عنکبوت، ۴۵.

را تلقین خواهد کرد [تا جانش در کمال آرامش و سلامت تسلیم شود].^۱

با این حال، جای بسی تأسف است که ما از این پایگاه نیرومند و منبع حیات و دریای بی‌کران محرومیم؛ چون نماز را برگزار می‌کنیم، ولی آن را برپا نمی‌کنیم!

چگونه ممکن است انسانی که در امور روزمره خود به‌کلی از خود غافل و از پروردگاش بریده است، یک‌باره در نماز، خود را بیابد و رو به سوی معبود و محبوب کند؟! از این رو نماز ما جز آزردن دوست، ثمری نخواهد داشت:

مرا غرض ز نماز آن بُود که پنهانی
حدیث درد فراق تو با تو بگذارم

وگرنه این چه نمازی بُود که من با تو
نشسته روی به محراب و دل به بازارم

نمازکن^۲ به صفت چون فرشته ماند و من
هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم

کسی که جامه به سگ^۳ برزند نمازی نیست
نماز من به چه آرزد که در بغل دارم؟

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. اسم فاعل مرخم، به معنای نمازکننده و نمازگزار.

۳. سگ نماد و تمثیلی است از عجب و ریا و تظاهر و خودپرستی.

اگر بخواهیم این محرومیت پایان پذیرد و در صف خاشعان در نماز قرار گیریم، آیا راهی جز عمل به دستورالعمل‌های نجات بخش قرآن و عترت داریم؟ در ادامه به چند دستورالعمل در این راستا اشاره می‌شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «آن چنان نماز را به جا آور که گویی آخرین نماز توست و با آن وداع می‌کنی و دیگر هرگز نماز نمی‌خوانی.»^۱
امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده‌اند:

امر نماز را مراعات و از آن محافظت کنید و آن را بسیار به جا آورید و به وسیله آن خود را به خدا نزدیک کنید... رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای نماز، خود را به رنج می‌انداختند؛ با آنکه مژده بهشت را شنیده بودند.^۲

همچنین به ما سفارش کرده‌اند برای ترمیم و پوشش دهی لغزش‌ها و سالم‌سازی آلودگی‌ها و آفت‌های قلبی، در اول نماز استغفار کنیم و برای پیشگیری از وسوسه‌های بعدی در نماز، استعاذه کنیم و به خداوند پناه بریم و نیز در نماز، به معنای ذکرها توجه داشته باشیم.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۴.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۶.

حاصل آنکه، بیشتر تجهیزات و توانایی‌های ما در مبارزه با شیطان، در نماز تجلی می‌یابد و نماز در این مبارزه، نقش بسیار کلیدی و حساسی به‌عهده دارد.

شیطان چون می‌بیند رحمت خداوند سرتاپای شخص نمازگزار را فرا گرفته است^۱ به او از روی حسادت نگاه می‌کند؛ به همین دلیل، برای انهدام این پایگاه، سرازیر نمی‌شناسد.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۲.

راهبردها (سیاست‌های اصولی) در مبارزه با شیطان



فصل دوم



در مبارزهٔ اصولی، باید سیاست‌ها یا همان راهبردها به خوبی روشن شود. این سیاست‌ها بر مبنای هدف‌ها و توانمندی‌ها شکل می‌گیرند و راهکارهای مبارزه، بر اساس آن‌ها شناخته می‌شود. در ادامه، به سیاست‌های اصولی در مبارزه با شیطان اشاره می‌کنیم:

۱. نگاهی از گوهرِ جان

پیش از این، گفتیم که دشمن با جان ما سروکار دارد و همهٔ تلاش‌های او برای دستبرد به این گوهرِ گران‌بهاست. اگر آدمی ارزش خود را بشناسد، هرگز به دشمنش اجازه نمی‌دهد به او نزدیک شود؛ چه رسد به اینکه راه سرقت جان را به او بنمایاند یا حماقت کند و به آسانی آن را در اختیارش نهد. از امیر المؤمنین علی علیه السلام چنین سفارشی رسیده است: «برای شما بهایی جز بهشت نیست؛ پس خود را جز به بهشت نفروشید.»^۱

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۵۶، حکمت ۴۵۶.

بنابراین گوهرِ جان، بسیار گران بهاست و طبیعی است که باید از هر شیء نفیس و پُربهایی سخت حراست کرد. هشدار قرآن را در این آیه بنگرید که از لزوم نگهبانی جان، پرده برمی‌دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست، حفظ کنید.»^۱

این هشدار قرآن نشان می‌دهد اگر از جان مراقبت نشود، آتش آن را می‌رباید. اکنون این پرسش مطرح است که برای مراقبت از جان چه کنیم؟ برای دستیابی به این مقصود، دستورالعمل‌های زیر راهگشاست:

الف. دژ و استحکامات

ما در منطقه‌ای امن به سر نمی‌بریم و در موقعیتی هستیم که از هرسو، امکان حمله وجود دارد؛ مانند پادگانی که در موقعیتی حساس و دشمن خیز قرار دارد؛ به‌ویژه اگر پادگانی ستادی باشد یا موزه‌ای باشد که اشیائی بسیار نفیس و گران بها در آن نگهداری می‌شود که در این صورت، چشمان طمع‌کار و نامحرم دشمن هر لحظه به آن دوخته شده است تا فرصتی فراهم آید و بتواند به آن دستبرد بزند. براساس آنچه در قرآن کریم آمده است، حمله دشمن به طرف ما

۱. تحریم، ۶.

از هر چهار سمت، یعنی پشت سر، روبه‌رو، طرف راست و طرف چپ، امکان‌پذیر است.^۱ پرواضح است که اگر دشمن حالت تهاجمی دارد و از هرسو حمله می‌کند، ساختن دژ و استحکامات، امری لازم و ضروری است. ساختن این دژ که به مراتب از احداث استحکامات اطراف پادگان، همچون سیم‌خاردار و میدان‌های مین و تله‌های انفجاری لازم‌تر است. این دژ که متناسب با جان ماست، چیزی نیست جز تقوا. تقوا یعنی حفظ حریم الهی در بیرون از جان و محافظت از حرم الهی در درون جان. قرآن کریم تقوا را لباسی بر اندام جان آدمی می‌داند که آن را به خوبی می‌پوشاند و حراست می‌کند: ﴿... وَ لِيَأْسَ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ...﴾^۲ (...بهترین جامه [یا لباس] تقواست ...).

امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام تقوا را دژی نفوذناپذیر می‌شناسند که رخنه در آن هرگز ممکن نیست: «إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَىٰ دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ.» (بندگان خدا، بدانید تقوا و پارسایی خانه‌ای است که چون دژ، استوار و نیرومند است.)^۳

همین بزرگوار در خطبه دیگری فرموده‌اند: «پرهیزکاری،

۱. نک: اعراف، ۱۷.

۲. اعراف، ۲۷.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۲۲۱، خطبه ۱۵۷.

امروز سپر و پناهگاه است و فردا راه بهشت.»^۱

توصیه به تقوا، همه جا و همه وقت و در همه ابعاد مانند تقوای چشم و تقوای گوش و مانند دیگر اعضای بدن، تقوای سیاسی، تقوای اقتصادی، تقوای فردی، تقوای اجتماعی، ... برای آن است که دشمن در همه جا کمین دارد.

گفتنی است، در جایی که حضور دشمن قطعی و حمله او بسیار نزدیک است، مانند کمین‌گاه‌هایی که برشمردیم، توصیه به تقوا به مراتب بیشتر است.

تقوا افزون بر نقش حساس دژسازی، آثار و برکات فراوانی نیز به ارمغان می‌آورد. قرآن کریم نیز برای این مهم برکاتی برشمرده است که عبارت‌اند از:

۱. مایه نجات از بن‌بست‌ها و دستیابی به رزق و روزی غیبی است؛^۲

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۲۸۴، خطبه ۱۹۱.

۲. نک: طلاق، ۳.

۲. عامل گشایش در کارها و پوشش زشتی هاست؛
۳. سبب بخشش لغزش‌ها^۱ و اهدای نیروی تشخیص^۲ و
پاداش بزرگ است.^۳

ب. کنترل ورود و خروج

مثال پادگان را به خاطر آورید. دژبان موظف است ورود و خروج افراد را کنترل کند و هرگز به افراد مشکوک و ناشناس اجازه ورود ندهد و کسانی را که بیرون می‌روند، زیرنظر داشته باشد تا اتفاقی رخ ندهد. غفلت دژبان، فرصت مناسبی است برای دشمنی که در کمین به انتظار نشسته است. حال اگر انسان غفلت کند و از درهای ورود و خروج به جان خود، دژبانی نکند، دشمن نفوذ خواهد کرد.

درحقیقت باید گفت که زبان، درب اصلی ورودی و چشم، گوش، فکر و سایر اعضا و جوارح، دیگر درهای ورودی به قلب‌اند و هرچه از این گذرگاه‌ها عبور کند، بر صفحه دل ثبت می‌شود. اگر گناه از انسان سرزند، نقطه‌ای سیاه بر دلش نقش می‌بندد و بهانه‌ای به دست دشمن می‌دهد و

۱. نک: طلاق، ۵.

۲. نک: طلاق، ۵.

۳. نک: انفال، ۲۹.

۴. نک: طلاق، ۵.

اگر طاعتی را به جا آورد و نور باشد، نقطه‌ای نور بر آن ثبت می‌شود تا آنجا که سراسر دل را می‌پوشاند؛ از این رو، هرگاه از بزرگان توصیه‌ای برای خودسازی درخواست شده است، آنان به موضوع مراقبه اهمیت داده‌اند.

این نوع کنترل و مراقبت، فقط برای نیروهای ناشناس بیرونی نیست؛ بلکه افراد مشکوک در داخل محدوده نیز باید کنترل شوند. اگر خواهش‌های نفس برآورده شود، از یک سو انسان از درون تضعیف شده و از سوی دیگر طمع دشمن صدچندان می‌شود. این نیروی نفوذی داخلی، برای ابلیس دستیار خوبی است که شیطان او را بیدار می‌کند و به کار می‌گمارد تا جاده‌اش را هموار کند.

منظور از این نیروی نفوذی درونی، نفس است که پیروی از آن، انسان را از راه خدا به بیراهه می‌برد؛ پس به حکم عقل، باید این موجود خطرناک درونی را لجام زد و زیر نظر داشت، درست مانند فرد مشکوکی که در درون یک نهاد حساس حضور دارد.

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «خویشتن را [در خواسته‌های نفسانی] رخصت ندهید؛ چراکه شما را به راه

ستمکاران می‌کشاند!

زندگی اولیای خدا چنین کنترل و مراقبتی را به ما می‌آموزد.

ج. محاسبه و ارزیابی

پس از استحکامات و کنترل، نوبت به محاسبه و ارزیابی می‌رسد. بار دیگر مثال پادگان در شرایط دشوار را به خاطر آورید. هر شب همه رفت و آمدهای ثبت شده در دفتر دژبانی، به دقت بررسی و مطالعه می‌شود تا مشخص شود چه کسانی وارد این محدوده شده‌اند یا از آن بیرون رفته‌اند؟ این بررسی‌ها برای جبران ضعف‌های قبلی و دقت و هوشیاری بیشتر در کنترل‌های بعدی بسیار لازم است. حراست از گوهر جان نیز به همین گونه است. باید ورود و خروج‌ها با دقت تمام محاسبه و ارزیابی شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و هرکسی باید بنگرد که برای فردا [ای خود] از چه پیش فرستاده است و از خدا پروا کنید. درحقیقت خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است.»^۲

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۱۱۷، خطبه ۸۶.

۲. حشر، ۱۸.

خداوند متعال در این آیه سفارش می‌کند که بنگریم برای فردای قیامت چه کرده‌ایم و در این بررسی و نگرش نیز تقوای محاسبه و ارزیابی را رعایت کنیم تا مبادا به خاطر حُب به خود، ضعفی را نادیده گیریم یا آن را توجیه کنیم؛ چون در همین محاسبه‌ها نیز وسوسه دشمن، قطعی است. به‌یقین هیچ‌کس در این مبارزه، از این نوع محاسبه، زبانی نمی‌بیند؛ بلکه برکت‌های فراوانی نصیبش می‌شود؛ و فردای قیامت، کارش به مراتب آسان‌تر هم می‌شود. در اینجا نیز کاستی‌ها و ضعف‌هایش را می‌شناسد تا با ترمیم و بازسازی آن‌ها بهانه‌ای به دست دشمن ندهد.

حاصل سخن آنکه، نخستین اصل در مبارزه با دشمن، حراست از جان با ایجاد استحکامات لازم و کنترل و محاسبه و ارزیابی است تا قلب سالم بماند؛ چون آنچه کلید رستگاری و مایه نجات ما در جهان آخرت است، همین قلب سالم است؛^۲ چراکه چنین قلبی هرگز چراگاه شیطان نخواهد بود.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۰۶، حکمت ۲۰۸.

۲. نک: شعراء، ۸۸ و ۸۹.

۲. واکنش مناسب

هر نوع وسوسه‌ای از دشمن واکنش مناسب و درخور خود را می‌خواهد. دشمن، حقیقت‌ها را پرده‌پوشی می‌کند، روکشی از تزویر بر زشتی‌ها می‌کشد، در برابر هر کار خیر و مثبت دام می‌گستراند، در هر فرازونشیب نقشه‌ای فراهم می‌آورد و ده‌ها فریب دیگر.

پاسخ مناسب به چنین ترفندها و نقشه‌هایی چیست؟ آیا جز آن است که حقیقت‌ها را درست و بی‌پرده بنگریم؛ موقعیت خود را ارزیابی کنیم؛ تلاش کنیم که به حکمت امکانات و فراز و نشیب‌های زندگی تا اندازه‌ای که میسر است، پی ببریم و...؟

در این فصل، فقط با چند نمونه از کنش‌های دشمن و واکنش‌هایی که سفارش شده است در برابر آن‌ها به‌کار گیریم، آشنا خواهیم شد تا برای مواجهه مناسب و حساب‌شده در موقعیت‌های گوناگون معیاری درست به‌دست آوریم. جامع‌ترین سخن دربارهٔ واکنش مناسب، فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ است که می‌فرماید:

اما دشمنان تو از جن و ابلیس و سپاهیان اوست؛ پس اگر نزد تو آمد [و وسوسه‌ات کرد] و

گفت: «فرزندت مُرد» [تابی تابى کنی] به خود بگو: «زندگان برای مردن آفریده شدند. فرزندم پارهٔ تنم بود که به بهشت رفت و شادمانم می‌کند.» اگر آمد و گفت: «مالت از دستت رفت»، بگو: «ستایش خدای را که می‌دهد و می‌گیرد و [باعث شد] زکات را از من ببرد؛ پس زکاتی بر من نیست.» اگر آمد و گفت: «مردم به تو ستم می‌کنند؛ ولی تو ستم نمی‌کنی!» بگو: «روز قیامت آنان که ستم کردند، گرفتارند؛ ولی برای نیکوکاران گرفتاری ای وجود ندارد.» اگر آمد و گفت: «چه قدر نیکی می‌کنی!» [می‌خواهد تو را خودپسند و مغرور کند، پس] بگو: گناهان من بیش از نیکی‌های من است.» اگر آمد و گفت: «چه قدر نماز می‌گزاری!» بگو: «غفلت من از نمازهایم بیشتر است.» اگر گفت: «چه قدر به مردم بخشش می‌کنی!» بگو: «آن قدر که می‌گیرم، از آنچه که می‌بخشم، زیادتر است.» اگر گفت: «چه قدر به تو ستم می‌کنند!» بگو: «من بیشتر ستم کرده‌ام.» اگر گفت: «چه قدر [برای خدا] کار می‌کنی!» بگو: «چه بسیار که

معصیت کرده‌ام!

واکنش مناسب در برابر وسوسه دشمن در زمینه خداشناسی را از روایتی می‌آموزیم که جمیل بن دزاج نقل کرده است:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در دلم [درباره] خدا و کیفیت و مکان او و... مسئله بزرگی است. فرمودند: «بگو: 'لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ'». از آن پس، هرگاه در دلم چنین چیزی می‌آمد، می‌گفتم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و آن وسوسه از دلم بیرون می‌رفت.^۲

نمونه‌ای از سفارش برای آشتی و مهرورزی به مؤمنان را می‌توان در این فرمایش امام باقر علیه السلام دید: «خدا رحمت کند کسی را که بین دو تن از دوستان را پیوند و آشتی برقرار کند! ای مؤمنان، به یکدیگر مهر بورزید و به هم بپیوندید.»^۳

۳. استعاذه و استغفار

انسان همواره در برابر هجوم وسوسه‌ها و نیازمند پناهگاهی مطمئن است تا به آن پناه برد و خاطرش را آسوده کند. «استعاذه» به همین معناست؛ یعنی پناهنده شدن به

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۲۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۲۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

پروردگار از شر هجوم شیطان. روح استعاذه همان توجه و اعتصام به خداست که اگر از سر صدق باشد، بی‌درنگ، دشمن خناس را به عقب می‌راند و به آدمی امنیت، آرامش، روحیه و قدرت می‌دهد. استعاذه، توصیه‌ای است که در آیات و روایات متعدد آمده است.

درباره حکمت استعاذه، تمثیل زیبایی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

شیطان نمی‌تواند بنده را وسوسه کند، جز هنگامی که بنده از یاد خدا روی‌گردان شود و امر خدا را کوچک شمرد و به نافرمانی‌اش روی آورد و فراموش کند که خداوند از اسرار او آگاه است...؛ پس با شیطان مانند غریبه باش در مواجهه با سگ گله که [چون به او حمله کند،] برای نجات به طرف صاحب سگ (چوپان) می‌دود تا سگ از او منصرف شده، از گزندش مصون ماند و همین‌طور اگر شیطان تو را وسوسه کرد تا راه حق را بر تو ببندد و یاد خدا را از [دل] تو بزدايد، تو هم به پروردگار خود و پروردگار او پناهنده شو!... کسی نمی‌تواند به خدا پناهنده شود و راه‌های ورود شیطان و وسوسه‌هایش را

بشناسد؛ جز آن کسی که مراقبت دائم دارد و برای خدمت خدا پابرجاست و از شکوه خداوند مطلع، آگاه است و دعای بی‌شمار دارد؛ اما کسی که [از این‌ها طرفی نبسته و] اوقاتش را بیهوده می‌گذراند، ناگزیر، صید شیطان خواهد شد.^۱

استغفار نیز به معنای طلب غفران و پوشش آلودگی‌هایی است که انسان کسب کرده است. این پوشش همواره نیاز است: پوششی معطر که بوی تعفن گناه را از میان ببرد، نشانی به دست دشمن ندهد، فرشتگان را نیاززاد و آدمی را [در قیامت] رسوا نکند. امام رضا علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحَنَّكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ.» (با استغفار، معطر و خوش بو شوید تا بوی متعفن گناهان، شما را رسوا نکند).^۲

نگاه قرآن به استغفارکنندگان، نگاهی از سر مهر و لطف و با ضمانت قطعی پذیرش ازسوی پروردگار است.^۳

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۲۵.

۲. محمدبن حسن حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل المسائل الشرعية، ج ۱۶، ص ۷۰.

۳. نک: نساء، ۱۱۰.

دشمن با همهٔ توان می‌کوشد که آدمی پناهنده نشود و درخواست بازگشت و پوشش کاستی‌ها و آمرزش نکند تا اینکه مایوس و بی‌پناه شود؛ ولی آن‌قدر روزنه‌های امید و نجات به‌روی آدمی گشوده‌اند و به او وعدهٔ پذیرش و لطف داده‌اند که سر از پناهنده‌شدن و هرگز یأس به خود راه ندهد!

شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: «مؤمنی که عهد کرده است گناه نکند، ولی عهدش را می‌شکند، چه کند؟» امام علیه السلام فرمودند: «برگردد و توبه کند.» گفت: «دوباره برگردد؟» امام فرمودند: «باز گردد.» آن شخص شگفت‌زده گفت: «آقا چندمرتبه توبه را شکسته است!» امام علیه السلام پاسخ دادند: «هر بار که انسان گناه کرده و سپس توبه کند، خداوند او را می‌آمرزد.» آنگاه فرمودند: «هرگاه مؤمن با استغفار و توبه برگردد، خداوند با آمرزش به او رجوع می‌کند.»^۱

افزون بر این‌ها، استعاذه و استغفار در رشد و کمال انسان هم نتیجه‌های درخشانی به‌بار می‌آورند.

۴. پایداری و انهدام

مقاومت و برخورد خصمانه در برابر دشمن، حکم عقل سلیم

۱. نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۳۴؛ سیدعبدالحسین دستغیب، قلب قرآن، ص ۱۹۳.

است که می‌گوید: «دشمن، دشمن است و هرگز در برابر او انعطاف و مسامحه روا نیست.» اگر خداوند در قرآن کریم فرموده است که دشمن را دشمن بگیریم و روایات نیز با تأکید فراوان، پایداری و سرسختی در برابر دشمن را سفارش کرده‌اند، در واقع بر همان حکم عقلی صحه گذاشته و آن را امضا کرده‌اند.

رسول مکرم اسلام ﷺ در وصیت‌های خود به ابن مسعود فرموده‌اند: «ابن مسعود، شیطان را دشمن خود بگیر؛ پس همانا خداوند فرمود: 'شیطان دشمن شماست. او را دشمن خود بگیرید.'^۱»^۲

در پندهای امام کاظم علیه السلام به هشام نیز این‌گونه آمده است: «پس درباره او [یعنی ابلیس] دشمنی‌ات را شدت بخش و مبادا شیطان در مبارزه‌اش برای هلاکت تو از پایداری تو در مبارزه‌ات پایدارتر باشد...!»^۳

گاهی برای مبارزه با شیطان باید به قوه قهریه متوسل شد و اولیای شیطان را کشت. اولیای شیطان همان افرادی هستند که هسته‌های مرکزی حزب‌الشیطان و کانون انتشار

۱. فاطر، ۶.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۴۲.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۵۱.

اندیشه‌های پیشوای گردن‌کشان و مجری دستورهای اویند. قرآن چنین دستوری صادر فرموده است: ﴿...فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [درنهایت] ضعیف است.)

پاک‌سازی روزگار از لوث‌دوستان شیطان، همیشه لازم و ضروری است تا بندگان خدا آسایش یابند؛ وگرنه بر اثر آلودگی آنان، فساد و تباهی زمین را فرا خواهد گرفت؛^۱ تا آنجا که عبادت‌گاه‌ها نیز رو به ویرانی خواهند رفت. قرآن می‌فرماید: «...اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجد می‌شدند که نام خدا در آن‌ها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد.»^۲

روشن است که کشتار کارگزاران شیطان، برای پیشوایان آن‌ها یعنی ابلیس، بسیار غم‌بار است!

۱. نساء، ۷۶.

۲. نک: بقره، ۲۵۱.

۳. حج، ۴۰.

شیوه‌ها و راهکارهای مبارزه با شیطان



فصل سوم



پس از شناخت سلاح‌ها و ابزارها و سیاست‌های اصولی در مبارزه با دشمن، نوبت به شناخت شیوه‌ها و راهکارهای عملی می‌رسد. در این رویارویی، به‌طور مشخص چه باید کرد؟ از کجا شروع کنیم و ادامه‌ راه چیست؟ در ادامه، به گام‌های اساسی در این باره اشاره می‌شود.

۱. کاوش و بازنگری در روح و روان

به این پرسش‌ها توجه کنید:

آیا روح ما آلوده و تیره نیست و رسوباتی از گناه در آن ننشسته است؟ آیا قیدوبندی دست‌وپای ما را نبسته است؟ آیا ما به بیماری‌هایی، همچون حسادت و بخل و کبر، مبتلا نیستیم و رفتارهای ما به خودخواهی و شرک و ریا و... آمیخته نیست؟

روشن است هرچه دل انسان آلوده‌تر باشد، دستبرد دشمن به گوهر جان او آسان‌تر خواهد بود و هرچه بیماری‌های آن فزونی یابد، شمار دستگیره‌هایی که دشمن به آن‌ها چنگ می‌زند، بیشتر است.

کاوش و بررسی در لایه‌های جان، کار چنان ساده‌ای نیست. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین مانع این است که چون ما به خود وابسته‌ایم و عمری با خرابه‌ای خو گرفته‌ایم که به دست خود بنا کرده‌ایم، ضعف‌ها و کاستی‌هایمان را نمی‌بینیم و همیشه خود را سالم و بی‌نیاز از معاینه و طبیب به حساب می‌آوریم؛ ولی اگر محبت به خود را زیرپا بگذاریم یا دست‌کم کاهش دهیم، آفت‌ها و ضعف‌های زیادی را خواهیم دید. مَثَل ما مَثَل همان مردی است که میبیدی در تفسیرش آورده است و می‌گوید:

مردی را زنی بود و در کاری برفته بود و یک چشم آن زن سپید بود و مرد از آن عیب بی‌خبر بود به فرط‌المحبة. چون آن محبت کم گشت، زن را گفت: «این سپیدی کی [در چشم تو] پدید آمد؟» گفت: «آنگاه که محبت ما اندر دل تو نقصان گرفت.»^۱

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز با استفاده از یک رویداد برای ما درسی جاودانه و آموزنده به یادگار گذاشته‌اند. امام صادق ع در این باره فرموده‌اند:

۱. ابوالفضل میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ج ۲، ص ۶۲۶.

روزی رسول خدا ﷺ با اصحابشان به زمینی وارد شدند که زراعت آن را برداشته بودند و چیزی باقی نمانده بود. به اصحاب خود فرمودند: «هیزم بیاورید.» عرض کردند: «ای رسول خدا، ما در زمینی هستیم که گیاهانش چیده شده و چیزی باقی نمانده است!» حضرت ﷺ فرمودند: «هرکدام از شما به مقدار توانایی خود سعی کند و هرچه به دست می‌آورد، بیاورد.» اصحاب در آن زمین به جست‌وجو پرداختند و هیزم آوردند و همه را در برابر حضرت روی هم ریختند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «گناهان نیز این‌طور جمع می‌شوند. شما ای اصحاب من، از گناهان کوچکی که به آن اعتنا ندارید، بپرهیزید تا چنین روی هم انباشته نشود!»

به دلیل نادیده گرفتن همین حقیقت است که انسان به تعریف و تمجیدهای دیگران دلگرم و خشنود می‌شود و با گرمی و خوش‌رویی از آن‌ها استقبال می‌کند؛ ولی اگر از او انتقاد سازنده کنند، چهره در هم می‌کشد و با سردی و ترش‌رویی برخورد می‌کند؛ آن‌هم به این دلیل که در وهم

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

خویش غوطه‌ور است.

۲. لای‌روبی و شست‌وشوی آلودگی‌ها

اگر جان لای‌روبی نشود، خطر رسوب آلودگی‌ها آن را تهدید می‌کند و ادامهٔ این رسوب، هویت انسانی او را می‌پوشاند و این پیامد، همان خواستهٔ دشمن است که می‌کوشد با وسوسه بر تأخیر شست‌وشوی جان، آن را به‌دست آورد. برای این شست‌وشو دستورالعمل‌هایی سفارش شده است که اساسی‌ترین آن‌ها توبه است.

تا در منزل دنیا هستیم، در توبه به‌سوی ما گشوده است. توبه تطهیرکنندهٔ جان و شست‌وشوگر آلودگی گناهان است.^۱

از پیامبر عزیز اسلام ﷺ روایت شده است: «توبه‌کننده، دوست خداست و کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که هیچ گناهی مرتکب نشده است.»^۲

۱. نک: امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرموده‌اند: «توبه دل را تطهیر می‌کند و گناهان را می‌شوید» (عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴).
۲. محمدبن ابراهیم شیرازی، شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۳.

حقیقت توبه، پشیمانی از انجام معصیت است و تا این پشیمانی در کار نباشد، توبه واقعی حاصل نشده است. از پیامبر اسلام ﷺ این گونه رسیده است: «الَّذِمُّ تَوْبَةٌ»^۱ (پشیمانی توبه است.) پس تا این سوزوگداز و اندوه و خوف بر جان کسی نیفتد و آتش حسرت و پشیمانی در دلش شعله‌ور نشود، توبه کامل حاصل نشده است؛ بنابراین حال بنده گنهگار، حال یک انسان متوقع نیست؛ بلکه گنهگارِ عذرخواه، خود را سزاوار عفو و شایسته گذشت نمی‌شناسد. انسان گنهگار چشم طمع به رحمت بی‌پایان حق دارد و با خودشکنی و حسرت و اندوه و از روی صدق و خلوص، به سوی پروردگار برمی‌گردد. حضرت زین‌العابدین علیه السلام این‌گونه مناجات کرده‌اند:

ای خدای من، اگر چندان در برابر تو بگیریم که
پلک‌های هردو چشمم بیفتد و اگر چندان صدایم
را به گریه بلند کنم که صوتم قطع شود و...؛
آنگاه از روی شرمندگی از تو، چشم به آفاق آسمان
نگشایم، [با این همه] سزاوار محو یکی از گناهانم
نیز نخواهم بود!^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۹.
۲. علی بن حسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای ۱۶.

افزون بر توبه، امور دیگری نیز در شست و شوی آلودگی‌ها و لای‌روبی جان مؤثرند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کمک و اعطای صدقه، به‌ویژه صدقهٔ پنهانی؛^۱ دوری از گناه کبیره؛^۲ هجرت و جهاد در راه خدا؛^۳ کارهای نیک و شایسته همراه با ایمان؛^۴ تقوای الهی؛^۵ پیروی از سنت نبی مکرم و آل ایشان علیهم‌السلام و فریادرسی درماندگان و بازکردن گره‌ها از انسان‌های بلادیدۀ رنج‌کشیده.

در این میان، فریادرسی درماندگان از چنان اهمیتی برخوردار است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «از کفارهای گناهان بزرگ، به فریادرسیدن فریادخواه و شادکردن غمگین است.»^۶

البته این امور و نسخه‌های مانند آن، در طول استغفار و توبه قرار دارند. برای اطلاع از دیگر عوامل مؤثر در شست و شوی جان، لازم است به کتاب‌های اخلاقی رجوع کنید.

۱. نک: بقره، ۲۷۱؛ توبه، ۱۰۳.

۲. نک: نساء، ۳۱.

۳. نک: صف، ۱۰.

۴. نک: تغابن، ۹.

۵. نک: انفال، ۲۹؛ احزاب، ۷۰ و ۷۱.

۶. علی بن ابی طالب علیه‌السلام، نهج البلاغه، ص ۴۷۲، حکمت ۲۴.

۳. درمان و ترمیم بیماری‌ها

در این مجال، به نمونه‌هایی از نسخه‌های شفابخش قرآن و عترت دربارهٔ چند بیماری شایع اشاره می‌کنیم. در بحث کمین‌گاه‌های حساس، با خطر این بیماری‌ها آشنا شدیم. برای آگاهی دربارهٔ بقیهٔ بیماری‌ها و درمانشان هم می‌توانید به کتاب‌های اخلاقی رجوع کنید.

درمان کبر و فخر فروشی

اگر انسان به گذشته و آیندهٔ خود بنگرد و فقر و نیازش را ببیند، جایی برای فخر فروشی باقی نمی‌ماند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «انسان را با تکبر چه کار؟! در آغاز، نطفه [ای ناچیز] بود و سرانجامش مرداری [متفعلن] است. نه می‌تواند به خود روزی دهد و نه می‌تواند مرگ را از خود براند!»^۱

همین بزرگوار در جای دیگری فرموده‌اند:

اگر خداوند به کسی اجازهٔ تکبر ورزیدن می‌داد، به‌طور حتم در مرحلهٔ نخست، آن را مخصوص پیامبران و اولیای خود قرار می‌داد؛ ولی خداوند

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۵۵۵، حکمت ۴۵۴.

تکبر و خودبرتربینی را برای آنان منفور شمرد و فروتنی را برایشان پسندید. آنان بر اثر همین فروتنی، گونه‌های خود را به زمین می‌گذاشتند و صورت‌هایشان را بر خاک می‌ساییدند و پر و بال خویش را برای مؤمنان می‌گسترانیدند تا آنجا که بر اثر شدت فروتنی و خاکساری، مردم بی‌خبر، آنان را ضعیف و ناتوان می‌شمردند.^۱

درمان عُجب

عُجب، عقل را تباه می‌کند^۲ و مانع دستیابی انسان به قله‌های بلند مکارم علمی و عملی می‌شود. اساسی‌ترین راه درمان عُجب، معرفت نفس است. امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «سُدَّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ»^۳ (مسیر عُجب را با معرفت به نفس خود، کور کن.)

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۲۹۰، خطبه ۱۹۲.
۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «الْعُجْبُ يَفْسِدُ الْعَقْلَ» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۴).
۳. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۲۸۵؛ محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۱، ص ۱۱۹.



اگر انسان خود را شناخت، سر تا پای وجودش را در نیاز و وابستگی محض می بیند و تمام امتیازها، نعمت‌ها و خوبی‌ها را از منبع خیر و نعمت، یعنی خداوند تبارک و تعالی می‌داند.

اگر انسان بصیر باشد، چند آیه قرآن او را از خواب عجب بیدار می‌کند و پشتش را می‌شکند: «کشته باشد انسان! چه ناسپاس است! او را از چه چیز آفریده است؟ از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید؛ سپس راه را برای او آسان کرد؛ آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد.»^۱

گاهی آدمی به کارهای شایسته‌اش می‌بالد و چنین می‌پندارد که خود مایه نجاتش را فراهم آورده است. در این صورت باید سفارش خدا به داوود پیامبر علیه السلام را به خاطر آورد که فرمود: «ای داوود، گنهکاران را مژده بده و صدیقان را بترسان!» عرض کرد: «چگونه گنهکاران را مژده بدهم و صدیقان را بترسانم؟» فرمود: «ای داوود، به گنهکاران مژده بده که توبه آنان را می‌پذیرم و از گناه آنان درمی‌گذرم و به صدیقان بیم ده که مبادا به کردار خود عجب کنند و

۱. نک: عیس، ۲۱ تا ۱۷.

خودبین شوند؛ زیرا هیچ بنده‌ای نیست که من او را پای حساب بکشم، جز آنکه هلاک شود!»^۱

درمان حسادت

حسود درحقیقت از قضای پروردگار خشمناک و از عطا و قسمت پروردگار به بندگان ناخشنود است و این فکر به تدریج باور به توحید و ایمانش را تباه می‌کند. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

مبادا آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده است، آرزو کنید! برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر چیزی دانا است.^۲

برای درمان حسادت کافی است حسود بداند که هیچ چیز مانع بخشش‌های خدا و هیچ امری بازدارنده قضای الهی نیست؛ بنابراین با حسادتش، نعمت از دیگران زایل نمی‌شود؛ جز آنکه تبعات و آثار زشت حسادت برای او باقی

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. نساء، ۳۲.

می ماند. حسادت به سبب ایجاد آشفتگی روحی و احساس دلتنگی، در دنیا او را به بیماری تن و روان^۱ گرفتار خواهد کرد و در آخرت به سنگینی بار عذاب.

درمان ناامیدی

هیچ دست نیازی به سوی پروردگار بالا نرفته است، جز آنکه به اجابت رسیده است؛ ولی نکته اساسی آن است که باید بینش خود را درباره اجابت دعا تصحیح کنیم. اگر اجابت دعا به معنای برآورده شدن همان خواسته‌ای است که ما می‌طلبیم و آن را به حساب عقل بشری خود، مایه نجات و سعادت می‌شمیریم و از همین رو بر آن پا می‌فشاریم، این معنا از اجابت، خطاست؛ چون با این ذهن کوتاه و درک ناچیز از جوانب قضایا و به‌ویژه با بی‌خبری از آینده خود، از کجا می‌دانیم اگر فلان خواسته ما برآورده شود، به مقصد می‌رسیم؟! اما اگر اجابت دعا به معنای پاسخ مثبت پروردگار و پُرکردن دست تهی ماست، هرچند به شکلی باشد که ذات اقدسش که دانای مطلق است، صلاح می‌داند،

۱. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: «از غفلت حسودان نسبت به سلامت تنشان در شگفتم» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت ۲۲۵)؛ «به یکدیگر حسادت نوزید که حسد، ایمان را می‌خورد؛ آن‌چنان که آتش، هیزم را خاکستر می‌کند» (علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۸۶).

این معنا از اجابت، درست است و به همین معنا، هر دعایی با رعایت شروطش، به اجابت می‌رسد.

در ادامه، قسمتی از وصیت‌نامهٔ امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام را می‌خوانیم:

بدان کسی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین در دست اوست، به تو رخصتِ دعا داده و اجابت آن را برعهده گرفته است و به تو فرمان داده است که از او بخواهی تا به تو عطا کند و رحمتش را بطلبی تا تو را ببخشد...؛ پس کلیدهای گنجینه‌های خود را در دست تو نهاد؛ چون به تو اجازهٔ درخواست از خود را داده است تا هرگاه اراده کردی، درهای نعمت او را با دعا بگشایی و بارش رحمتش را طلب کنی؛ پس دیر برآوردن دعا، تو را نومید نکند؛ چراکه بخشش و عطا بسته به مقدار نیت است و بسا که در برآوردن دعایت تأخیرافتد و این برای آن باشد که پاداش دعاکننده بزرگ‌تر و عطا و بخشش به آرزومند کامل‌تر شود. چه بسا آنچه می‌خواهی، به تو ندهد؛ اما بهتر از آن را در این جهان یا در آن جهان عوض دهد یا بهتر بوده است که از تو دریغ کنند. چه بسا

چیزی را بطلبی که اگر بدهند، تباهی دینت در آن
باشد...^۱

این نکته درباره اصل اجابت است؛ ولی درباره تأخیر
در اجابت، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «مؤمن از خدای
عزّ و جل حاجتی می‌طلبد و خداوند برآوردن نیازش را
به تأخیر می‌اندازد؛ چون صدایش را دوست دارد و گریه‌هاش
را می‌پسندد...»^۲

افزون بر این، چون دعا عبادت است، تأخیر در اجابت
آن، مایه افزایش میزان عبادت و نتیجه‌اش، رشد و بالندگی
روح دعاکننده است؛ پس این تأخیر، نباید باعث ناامیدی
او شود.^۳

درمان بخل

زیربنای این بیماری نیز ضعف معرفتی است. آدمی می‌پندارد
که هرچه جمع کرد و در انفاقش بخل ورزید، به سود اوست؛
درحالی‌که باید آثار و اخبار زیادی را که در نکوهش بخل و
ستایش بخشش و سخا رسیده است، ملاحظه کند و بداند که

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۳۹۸ و ۳۹۹، نامه ۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۸.

۳. نک: حجر، ۵۶.

خانه دیگری در انتظار اوست و باید قدری اعمال نیکو پیش فرستد و در آنجا ذخیره کند تا در روز درماندگی، به کارش آید.

درمان اساسی همه بیماری‌ها، از جمله بخل، قطع سرچشمه آن‌هاست و سرچشمه بخل، دوستی مال دنیاست.

قرآن کریم با تحلیل پندار خامِ بخیلان، سرانجامِ بخلِ آنان را این‌گونه ترسیم کرده است: «کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده است، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است؛ بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود ...»^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرموده‌اند: «از بخیل درشگفتم! او به استقبال فقری می‌رود که از آن می‌گریزد و غنایی را از دست می‌دهد که خواهان آن است. در دنیا مانند فقیران زندگی می‌کند؛ ولی در آخرت باید همچون اغنیا حساب پس دهد.»^۲

۱. نک: آل عمران، ۱۸۰.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۴۹۱، حکمت ۱۲۶.

این نکته نباید فراموش شود که، تاکنون طرح درمان دربارهٔ امور شخصی و در محدودهٔ حوزهٔ جان بود؛ ولی هرگز نباید از بیماری‌ها و آلودگی‌های اجتماعی غافل بود. این بیماری‌ها بر اثر سرکشی طاغوتیان و هوس‌های دنیاپرستان بی‌درد، گاهی با شعارهای فریبنده به این مردم هجوم می‌برند، فضای جامعه را مسموم می‌کند و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام باعث می‌شود: «در این فضا، شیطان به هلاکت و تباه کردن مردم چشم طمع بدزود، اسباب کارش قوّت گیرد، حيله و فریبش فراگیر شود و شکار در دسترس او قرار گیرد.»^۱

شست‌وشوی آلودگی‌های اجتماع، به خشکاندن ریشه‌های فساد در آن وابسته است، یعنی کشتن اولیای شیطان و انهدام حزب شیطان.

درمان بیماری‌های اجتماعی نیز به دو عنصر اساسی امر به معروف و نهی از منکر متکی است. اگر این دو عنصر ترک شود، همه چیز رو به تباهی می‌رود و دوستان شیطانی نیز نیرو می‌گیرند و به رهبری جامعه دست می‌یابند. در

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۱۸۷، خطبهٔ ۱۲۹.

وصیت‌نامهٔ امیرالمؤمنین علی علیه السلام این‌گونه می‌خوانیم:
«امربه معروف و نهی‌ازمنکر را ترک نکنید که بدترین شما
حکمرانی شما را به دست می‌گیرد.»^۱

در مجموع باید گفت درمان با دانایی و همت امکان‌پذیر
است؛ برای نمونه، اگر انسان تحت‌تأثیر وسوسه‌های
دشمن، بی‌مهابا به جمع‌آوری امکانات دنیا می‌پردازد و
حقی را که خدا در دارایی‌اش قرار داده است، ادا نمی‌کند و از
فقر می‌هراسد و بخل می‌ورزد، به این علت است که سرای
دنیا و امکاناتش را درست نشناخته است و دربارهٔ دیدگاهی
واقع‌بینانه ندارد.

اگر گرفتار کمین کبر هستیم، بدین علت است که وجود
سراپا فقر خود را نشناخته‌ایم. اگر گرفتار کمین حسادتیم،
به این علت است که حکمت روزی‌ها و تقسیمشان
را نمی‌دانیم و در یک کلام، اگر در برابر گناه، موضع
سرسختانه‌ای نداریم و تحت‌تأثیر وسوسه‌های دشمن، به
گناه آلوده می‌شویم، از این رو است که از درک حضور خداوند
غافلیم و حقیقت گناه و خطر رسوب و تراکم آن و تبدیل
هویتِ جان را ناچیز می‌پنداریم.

۱. علی بن ابی‌طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۴۲۲، نامهٔ ۴۷.

حاصل سخن

ما برای مبارزه با دشمن سرسخت خود، بدون تجهیزات نیستیم؛ باید آن‌ها را بشناسیم و درست به‌کار ببریم. افزون بر این، خداوند ما را در این مبارزه با امدادهای ویژه یاری می‌رساند؛ پس اگر واقعاً تصمیم به مبارزه با شیطان داشته باشیم، باید از نقش کلیدی نماز در این مبارزه یاد کنیم که اگر درست برپا شود، از جهات گوناگون، شیطان را به شکست می‌کشاند.

در یک مبارزهٔ اصولی باید سیاست‌های کلی یا راهبردها را به درستی شناخت و براساس آن‌ها برنامه‌ریزی کرد. این راهبردها عبارت‌اند از: نگرهبانی از جان؛ واکنش مناسب و به‌موقع در برابر وسوسه‌های شیطان؛ پناه‌گرفتن در پناه خدا و نیز پوشش‌دهی به رخنه‌ها و ضعف‌ها و پایداری و انهدام یاران شیطان از انس و جن. هرگز نباید از این راهبردها غافل بود.

همچنین در چنین مبارزه‌ای، باید شیوه‌ها و شگردها را شناخت و به درستی آن‌ها را به‌کار بست. این شیوه‌ها را در سه گام می‌توان ترسیم کرد: ۱. کاوش و بازنگری در روح و روان؛ ۲. لای‌روبی و شست‌وشوی آلودگی‌ها؛ ۳. درمان و

ترمیم بیماری‌ها.

هریک از بیماری‌ها، راه درمان خاص خود را دارد که شرح‌این مطلب داده شده است. برخی از این بیماری‌ها، همچون تکبر و خودبرتربینی و عُجب و خودپسندی و حسادت و بخل، بسیار خطرناک‌اند و باید برای ریشه‌کن کردن آن‌ها همت کرد.

۱. قرآن کریم .
۲. ابن شعبه حزانى، حسن بن على بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن طاووس (سید بن طاووس)، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، به تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج ۳، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی، چ ۲، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۶، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۷. حکیمی، محمد رضا و محمد حکیمی و دیگران، الحیة، ترجمه احمد آرام، چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۸. دستغیب، سید عبدالحسین، قلب قرآن، ترجمه علی عطایی
اصفہانی، به نقل از: سایت مؤسسه فرهنگی اسلامی شبکه الامامین
الحسینین علیہ السلام.

۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی،
به تحقیق و تصحیح محمد خواجوی، ج ۱، چ ۱، تهران: مؤسسه
مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ق.

۱۰. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال،
به تصحیح علی اکبر غفاری؛ چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

۱۱. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره
القیه، به تصحیح علی اکبر غفاری؛ چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

۱۲. علی بن ابی طالب علیہ السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین
شریف الرضی، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، چ ۱، قم:
هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱۳. علی بن ابی طالب علیہ السلام، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین
شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.

۱۴. علی بن حسین علیہ السلام، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و نگارش
جواد فاضل، چ ۲۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.

۱۵. علی بن موسی الرضا علیہ السلام، صحیفه الإمام الرضا علیہ السلام، به تحقیق و
تصحیح محمد مهدی نجف، چ ۱، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیہ السلام،
۱۴۰۶ ق.

١٦. قمى، عباس، سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، ج ٥، ج ١، قم: اسوه، ١٤١٤ ق.

١٧. قمى، عباس، مفاتيح الجنان، ج ٤، قم: ياسين، ١٣٨٣ ش.

١٨. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، به تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى و محمد آخوندى، ج ٢ و ٣ و ٤ و ٥، ج ٤، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٧ ق.

١٩. ليثى واسطى، على بن محمد، عيون الحكم و المواعظ، به تحقيق و تصحيح حسين حسنى بيرجندى، ج ١، قم: دار الحديث، ١٣٧٦ ش.

٢٥. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ٦٩ و ٧٤ و ٧٥ و ٧٩ و ٨١، ج ٢، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.

٢١. محمد محمدى رى شهرى، ميزان الحكمة، ج ٦، ترجمه حميد رضا شىخى، قم: دار الحديث، ١٣٨٩ ش، به نقل از: كتابخانه دييجيتال نور.

٢٢. ميبدى، ابوالفضل، كشف الأسرار و عدة الأبرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى)، به كوشش على اصغر حكمت، ج ٢، ج ٥، تهران: اميركبير، ١٣٧١ ش.

٢٣. نورى، حسين، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، ج ١، ج ١، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤٠٨ ق.



توضیحات شرکت در مسابقه

• پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

• به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: پیا تور نشوی ۱۲۳۲۴ رضا شهیدی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

• هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمپر استفاده کنید.

• آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

• قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادهای و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول. نیرومندترین عامل رهایی از جاذبه‌های شیطانی و نفسانی چیست؟

۱. اعتصام به خدا
۲. ایمان و توکل به خدا
۳. ترس راستین
۴. محبت به خدا

پرسش دوم. نقش کلیدی نماز در مبارزه با شیطان کدام است؟

۱. نماز مایهٔ بیداری و بالاترین یادهاست
۲. نماز، آرامش بخش روح ماست
۳. نماز مایهٔ تجدید حیات ماست
۴. همهٔ گزینه‌ها

پرسش سوم. براساس آیات قرآن کریم، کدام گزینه از آثار و برکات تقواست؟

۱. کلید رستگاری است
۲. سبب خیردنیاست
۳. نجات از سختی‌هاست
۴. سبب بخشش لغزش‌هاست

پرسش چهارم. یکی از راه‌های درمان کبر و فخر فروشی چیست؟

۱. انسان دربارهٔ خودش شناخت پیدا کند
۲. انسان به یاد مرگ باشد
۳. انسان به عبادت بپردازد
۴. انسان به گذشته و آیندهٔ خود بنگرد و فقر و نیازش را ببیند

پرسش پنجم. طبق وصیت‌نامهٔ امیرالمومنین علی علیه السلام در چه صورت بدترین افراد به رهبری جامعه دست می‌یابند؟

۱. امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ترک شود
۲. مردم نسبت به حلال و حرام تقیدی نداشته باشند
۳. در جامعه به صورت علنی گناه شود
۴. ظلم در جامعه زیاد شود

پاسخ‌نامه مسابقه فرهنگی بیا تور نشوی!

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظر سنجی کتاب بیا تور نشوی!

رتبه	موضوع	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادات و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود - - - - -

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵